



خاتمی، دومین پیروزی و ۱۵ الزام اجتناب ناپذیر

دکترانور خامه ای

انتخابات ریاست جمهوری در ۱۸ خرداد امسال عیناً مانند انتخابات ۲ خرداد ۷۶ شگفت انگیز بود و هیچکدام از مفسران و تحلیل گران سیاسی پیش بینی نمی کردند که آراء آقای خاتمی بیش از ۲ خرداد ۷۶ باشد. بسیاری از آنان پیش بینی می کردند انتخابات به دور دوم کشیده خواهد شد و آنان که موفقیت آقای خاتمی را در

دور اول مسلم می دانستند، موفقیت او را با آرای بسیار کمتر از ۲ خرداد ۷۶ محتمل می شمردند. به هر حال، کمتر کسی تصور می کرد آراء وی در این مرحله بیش از آن دوران باشد. عجیب تر از آن اینکه، اکثریت نسبی آراء آقای خاتمی در این مرحله بسیار بیشتر از افزایش مطلق آراء وی بوده است. اگر در ۲ خرداد ۷۶ و ۶۷ درصد آراء مأخوذه را به دست آورده بود، این بار ۷۷ درصد آراء را به خود اختصاص داده است یعنی بیش از یک هفتم بیشتر از اکثریت نسبی در آن انتخابات، در حالی که از نظر افزایش مطلق یعنی یک میلیون و ۶۵۰ هزار فقط یک دوازدهم بیست میلیون آراء سال ۱۳۷۶ است. این واقعیت را به صورت ساده تر زیر نیز می توان بیان کرد: در ۲ خرداد ۷۶ آقای خاتمی حدود ۲۰ میلیون رای و سایر نامزدها جمعاً حدود ۱۰ میلیون رأی آوردند، یعنی آقای خاتمی به تنهایی دوبرابر سایر نامزدها داشت. اما در انتخابات فعلی بیش از ۲۱ و نیم میلیون و سایر کاندیداها حدود ۶ میلیون و ۲۵۰ هزار رأی آورده اند یعنی آراء آقای خاتمی از ۳ برابر کل آراء سایر نامزدها هم بیشتر است!

علت این تحول عجیب و شگفت انگیز چیست؟ آیا آقای خاتمی و دولت او در این چهار سال اخیر معجزه ای

کرده اند؟ آیا آنها مشکلات و گرفتاری های دیرین مردم را برطرف ساخته اند؟ آیا تورم را از بین برده یا بیکاری را، ریشه کن کرده اند؟ آیا دیگر کسی زیر خط فقر زندگی نمی کند یا دست کم از شمار کسانی که زیر این خط می زیسته اند به طور چشمگیری کاسته شده است؟ آیا امنیت کامل برای مردم، برای کارگران و سرمایه گذاران حاصل شده است و دزدی، راهزنی، تجاوز،



مردم با حداقلی از انتظارات بار دیگر به سید محمد خاتمی رأی دادند. تحقق این انتظارات منوط به اجرای پنج برنامه اصلاحی است که در این مقاله شرح داده شده است.

رانت خواری و زورگویی گروه های فشار و برهم زدن اجتماعات قانونی و هتاک و توهین از میان رفته است؟ همه می دانند که چنین معجزاتی به وقوع نپیوسته است. پس این تحول غیر منتظره و این استقبال شگفت انگیز

معلول چیست؟ چه عواملی موجب شده است که برخلاف پیشگویی های تحلیل گران و آینده نگران، رئیس جمهور آینده ایران نه این که با آرای کمتر از گذشته، بلکه با حدود دو میلیون رأی افزونتر انتخاب شود؟! در این باره نظرها و عقاید گوناگونی ابراز شده و علل و موجبات متنوعی برای آن ارایه کرده اند. بهتر است نخست به بعضی از این نظرها توجه کنیم و میزان صحت و سقم هر کدام را بیازماییم.

بعضی از این تحلیل گران تعدد و تنوع نامزدهای ریاست جمهوری و افزایش عده آنها نسبت به انتخابات دوره های پیشین را علت اصلی این استقبال مردم می پندارند. اگر این نظر درست می بود، می بایست به نسبت افزایش نامزدها تعداد شرکت کنندگان در رأی گیری افزایش یافته باشد، در حالی که خلاف آن روی داده است.

در انتخابات ۲ خرداد ۷۶ حدود سی میلیون رأی به صندوق هاریخته شد و این بار با در نظر گرفتن ۵ تا ۷ میلیون رأی دهنده جدید و افزایش کل کسانی که دارای حق رأی دادن بودند از ۳۵ به ۴۲ میلیون می بایست ۳۳ یا ۳۴ میلیون رأی به صندوق هاریخته شده باشد، در حالی که ۲۸ میلیون رأی به صندوق ها ریخته شده، یعنی تعداد رأی دهندگان نه تنها افزایش نیافته، بلکه کاهش هم یافته است. از سوی دیگر، اگر افزایش تعداد نامزدها از ۴ نفر در انتخابات مرحله هفتم به ۱۰ نفر در این مرحله، موجب این استقبال شده بود، می بایست مجموع آراء نامزدهای دیگر، غیر

از آقای خاتمی، افزایش چشمگیری نشان می داد و دست کم سه برابر می شد، (۹ رقیب در این دوره نسبت به ۲ رقیب در دوره قبل) در حالی که برعکس کاهش یافته و تقریباً نصف شده است، یعنی ۹ نفر نامزد فعلی کمی

بیش از ۶ میلیون رأی داشته اند، (در برابر ۱۰ میلیون آراء ۲ رقیب پیشین آقای خاتمی!) جمع آراء این ۹ نفر حتی به اندازه آراء یکی از رقبای پیشین آقای خاتمی هم نبوده است (بیش از ۷ میلیون رأی برای آقای ناطق نوری). بدین سان می بینیم که این نظریه مقبول نیست.

یکی از پیش شرط‌های مهم برای موفقیت آقای خاتمی، انتخاب وزرایی پاکدامن، شجاع و کاردان از جانب ایشان است

جمعی دیگر علت اصلی این پدیده، یعنی استقبال مردم از آقای خاتمی و انتخاب ایشان را با حدود ۲۲ میلیون رأی، دل‌بستگی آنها به اصلاحات و برنامه اصلاحی او می‌پندارند، مثلاً نماینده دشتستان و تنگستان در مجلس شورای اسلامی در سخنرانی پیش از دستور اظهار داشت: " رأی قاطع مردم از طرفی تأیید دوباره‌ای بر روند اصلاحات است و از طرف دیگر پیامی است به مخالفین اصلاحات که دست از حرکات و کارشکنی‌های خود برداشته و با مردم همسو شوند تا دولت بتواند مشکلات مردم را بیش از پیش حل کند." (روزنامه همبستگی بیست و سوم خردادماه، صفحه ۲، ستون ۳). همچنین نماینده آبادان در همان جلسه تأکید کرد که: "مردم در انتخابات ۷۶ و ۸۰ به خشونت، بی‌فرهنگی، بی‌اخلاقی و بی‌منطقی نه گفتند و به اصلاحات برای استمرار انقلاب آری گفتند... در انتخابات ۱۸ خرداد مردم، مسئولان و نظام، خشونت را محکوم و منزوی کردند... بی‌شک می‌توان گفت که امروز گروه‌های خشونت در داخل با گروه منحرف و تروریست به اصطلاح صحابه و طالبان هماهنگ هستند و همه برای جلوگیری از گسترش نظام مردم سالاری دینی که ابرقدرت‌ها نیز آن را نمی‌پسندند، تلاش می‌کنند." (همانجا، ستون ۵)

شکی نیست که برنامه اصلاحاتی آقای خاتمی در انتخابات اخیر یکی از علل پیروزی او و کسب ۲۲ میلیون رأی بوده است. اما اگر همین برنامه اصلاحات و وعده‌هایی را که او در این زمینه داده است، یگانه عامل استقبال مردم از وی بدانیم، مواجه با پرسش‌های بی‌پاسخ زیر خواهیم شد. اولاً رقبای ایشان نیز برنامه‌های اصلاحاتی ارابه‌داده‌اند که اگر از برنامه آقای

خانوادگی و اداری او، همه این‌ها در افکار عمومی از خاتمی سیاستمداری دوست‌داشتنی و قابل اعتماد ساخته است که رأی دهندگان به وی احساس می‌کنند می‌توانند سرنوشت خود را به دست ایشان بسپارند. اکنون ببینیم آقای خاتمی با چه وظایفی رو به روست و چه مسئولیت‌های سنگینی دارد. اکنون بار توانفرسای اصلاحات بر دوش اوست و این بار دیگر عذر تجربه نداشتن و ناآگاهی از وظایف از جانب او پذیرفتنی نیست. مردم و مجلس شورای اسلامی پشت سر او ایستاده‌اند. شرایط جهانی نیز برای او از تمام دولت‌های دیگری که پس از انقلاب اسلامی وجود داشته‌اند، مساعدتر است. بنابراین باید از این شرایط حداکثر بهره را برگیرد و گام‌های محکمی در راه اصلاحات بردارد. فوری‌ترین کارهایی که باید انجام دهد به نظر ما اقدامات زیر است:

- ۱- در تشکیل کابینه و انتخاب وزرای خویش زیر بار هیچ‌گونه تحمیلی از جانب هیچ‌مقامی نرود.
- ۲- وزراء خود را از میان افراد پاکدامن، شجاع و کاردان مانند آقای موسوی لاری انتخاب کند.
- ۳- وزارتخانه‌ها و مؤسسات موازی را که کارمشابه انجام می‌دهند در هم ادغام کند و بدین وسیله هم از

آقای خاتمی در دومین دور ریاست جمهوری خویش با داشتن حمایت مجلس و انبوهی از تجربه نباید در اجرای هیچ یک از وعده‌های اصولی خود کوتاه بیاید

- ۴- هزینه دولت بکاهد و هم‌بربرانده آن مؤسسات بیافزاید.
- ۴- تکلیف خود را در مورد اصل یکصد و سیزدهم که مسئولیت اجرای قانون اساسی را بر عهده او گذاشته است با شورای نگهبان و مقامات دیگر به ویژه رییس قوه قضاییه روشن سازد.
- ۵- تکلیف قانون مطبوعات را با کمک مجلس شورای اسلامی روشن سازد. قانون فعلی که در دوره پنجم مجلس در شرایط خاصی تصویب شده، نواقص مسلمی دارد و باید هرچه زودتر اصلاح و قانون مناسب تدوین و تصویب شود که شایسته رکن چهارم یک دولت مردم سالار باشد.

خاتمی جذابتر و فریبنده‌تر نباشد، کمتر از آن نیست. پس چرا مردم به آنها رأی ندادند و به تمام آنها بابتی اعتنا نگر نیستند؟ ثانیاً آقای خاتمی خود دست کم در بعضی زمینه‌ها مانند اصلاحات ساختار اداری و فقرزادگی و جلوگیری از تبعیض و رابطه سالاری چندان موفقیتی نداشته و در زمینه‌های دیگر مانند آزادی مطبوعات و اجتماعات با مخالفت‌ها و کارشکنی‌های وسیعی روبرو شده است، به طوری که عده‌ای از دستیاران نزدیک و فعال او دستگیر و محکوم شده‌اند و بعضی هم اکنون در زندان به سر می‌برند. بعضی دیگر مورد سوء قصد قرار گرفته یا مضروب و مجروح شده‌اند و مردم می‌بینند از آقای خاتمی کاری برای رفع این موانع ساخته نیست و امید زیادی هم به اجرای کامل اصلاحات در چهار سال آینده ندارند. پس تنها امیدواری به انجام اصلاحات عامل پیروزی ایشان در این انتخابات نبوده است.

پس چه عواملی در این پیروزی موثر بوده‌اند. به نظر من می‌توان عوامل زیر را در این باره مؤثر دانست:

- ۱- همان اندازه از اصلاحات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که در چهار سال گذشته انجام گرفته، گرچه با هزینه و تلفات سنگین بوده، شعله‌امیدی در دل‌های مردم، به ویژه نسل جوان افروخته است که به سهولت خاموش شدنی نیست و با وجود تمام مشکلات و موانع همچنان روشن است.

- ۲- ترس، وحشت و بی‌زاری مردم از هرگونه الترناتیو دیگر. اکثریتی از مردم ما به این نتیجه رسیده‌اند که در دنیای آشفته کنونی سکون و بی‌حرکتی ممکن نیست. اگر آنها همراه خاتمی و درجهتی که او نشان می‌دهد نروند و آن را تحریم کنند، دورنمای بهتری نخواهند داشت. دورنمایی که در صورت روی گرداندن از خاتمی پیش روی آنهاست یا (الف) حکومتی متشروع و قشری و خشن از نوع طالبان است. یا (ب) کشمکش جناح‌های مختلف المنافع که منجر به آشوب و جنگ داخلی و سرانجام دیکتاتوری نظامی با کمک بیگانگان خواهد شد، یا (ج) مداخله نظامی آمریکا یا دستیارانش در منطقه در امور داخلی ما که منجر به جنگ خارجی و سرانجامی نامعلوم از نوع یوگوسلاوی خواهد گردید. هر کدام از این دورنماها چنان وحشت‌انگیز است که هیچ ایرانی عاقل و میهن‌پرستی حاضر به تصور آن هم نیست تا چه رسد به قبولش.

- ۳- شخصیت آقای خاتمی نیز بی‌شک در جلب افکار و دل‌های قشرهای زیادی از مردم مؤثر بوده است. صداقت او، ساده و خودمانی بودن رفتارش، نواندیشی او و گشودن افق‌های نویی از اندیشه و عمل برای مردم حتی اگر به صورت آرمانی باشد، سوابق